برقراری ارتباط موفق بین کنشگران اجتماعی، امکان تحقق صلح در سطح یک جامعه یا جهان را افزایش می‌دهد. وجود برخی عناصر در روابط انسانی تسهیلگر این کنش‌ها و فرایند دستیابی به صلح خواهد بود. «مدارا» یکی از عناصری است که می‌تواند تنش‌های احتمالی حاصل از این کنش‌ها را کاهش دهد و جامعه بشری را به‌سوی یافتن ناشناخته‌های خود رهسپار سازد. انسان‌ها با ورود به جامعه با چهره‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شوند که احتمال دارد اندیشه‌های ناشناخته‌ای را با خود حمل کنند و این ناشناخته‌ها ممکن است صحیح یا اشتباه باشند. راینر فورست معتقد است انسان‌ها برای دستیابی به کنشی موفق باید سعی کنند با مدارای بیشتر، لحظه‌ای خود را آن دیگری قرار دهند و اندیشه‌ها و تجربه‌های او را درک کرده و به این ترتیب امکان یک کنش تفاهمی را فراهم سازند. مفهوم مدارا در بین اندیشمندان گذشته‌ ایران نیز وجود داشته است. برای مثال در دیوان اشعار حافظ شیرازی بارها از واژه مدارا و کلمه‌هایی که با این مفهوم قرابت معنایی دارند سخن به میان آمده است و خوانندگان نیز به مدارا دعوت شده‌اند. در این مقاله تلاش شده است با روش مطالعه تطبیقی مفهوم «مدارا» و «آینه» در اندیشه فورست و حافظ مقایسه شود و به این ترتیب گام کوچکی برای دستیابی به جهانی با حداقل تنش برداشته شود و الگوهای فرهنگی جدیدی در اختیار سیاست‌گذاران قرار گیرد. برای دستیابی به این مهم مفاهیم مشترک بین این دو اندیشمند بزرگ جمع‌آوری و طبقه‌بندی شده و سپس این داده‌ها مورد تحلیل و توصیف قرار گرفته است. درنهایت نتیجه گرفته‌ شد که سطح مدارا در اندیشه حافظ نسبت به فورست پایین‌تر بوده است و اندیشه وی به‌عنوان یک متفکر جریان‌ساز می‌تواند مورد پژوهش و نقد بیشتری قرار گیرد.

**واژگان كليدي:** مدارا، آینه، کنش، صلح.